فهرست

[مقدمه 2](#_Toc85887628)

[فقه تربیتی چه چیزی نیست؟ 2](#_Toc85887629)

[نکته اول 2](#_Toc85887630)

[نسبت تربیت اسلامی با نظام تربیتی اسلام 2](#_Toc85887631)

[ویژگی نظام وارگی 3](#_Toc85887632)

[نظام ارزشی ده‌گانه چیست؟ 4](#_Toc85887633)

[نکته دوم 5](#_Toc85887634)

[نکته سوم 6](#_Toc85887635)

[فقه تربیتی، علم تربیت نیست 7](#_Toc85887636)

[فقه تربیتی فلسفه تربیتی نیست 7](#_Toc85887637)

[فقه تربیتی حقوق تربیتی نیست 8](#_Toc85887638)

[فقه تربیتی اخلاق تربیتی نیست 9](#_Toc85887639)

[جمع‌بندی 10](#_Toc85887640)

[پاسخ به سؤالات 11](#_Toc85887641)

بسم الله الرحمن الرحیم

عرض سلام و ادب و احترام خدمت حضار گرامی همراهان عزیز خیلی خوشوقتم توفیق دوباره شد جلسه دوم را درباره مبانی و مسائل فقه تربیتی صحبت کنیم.

# مقدمه

جلسه گذشته در مورد فقه تربیتی چه چیز است صحبت کردیم

این جلسه درباره فقه تربیتی چه چیز نیست صحبت می‌کنیم و باز ده دقیقه پایانی را به گفتگو بپردازیم و اگر در میانه راه در چت سؤال و نکته و اشکالی بود حتماً بفرمایید من نسبت به آن هم توجه داشته باشم

در جلسه قبل روشن شد که فقه تربیتی میان رشته‌ای است که در دامن فقه و دانش اصیل فقه در واقع سر برآورده است تلاش دارد که آموزش‌وپرورش و تعلیم و تربیت را و تربیت رسمی و غیررسمی را به محک فقه بگذارد نظام تجویزات تربیتی اسلام را کشف بکند موضوعات تربیتی از عمل تربیت و میدان تربیت اخذ بکند از علم تربیت اخذ بکند از فلسفه تربیت اخذ بکند و با معیار فقه قرار بدهد و در نهایت واجب و حرام و مستحب و مکروه و اباحه را استفاده کند و در مواردی اگر لازم بود احکام وضعی را استخراج بکند

و در نهایت نظامی از تجویزات تربیتی و آموزش‌وپرورشی اسلام را عرضه بکند

این جمع‌بندی جلسه گذشته بود

# فقه تربیتی چه چیزی نیست؟

اما اینکه فقه تربیتی چه چیز نیست؟ در واقع باید در ذیل نکاتی باید این بحث را ادامه داد

## نکته اول

اینکه آیا فقه تربیتی در واقع تمام تربیت اسلامی است یا خیر؟ به تعبیر دقیق‌تر رابطه فقه تربیتی و تربیت اسلامی چیست؟ اینجا تربیت اسلامی به معنای اسلام 02:51؟؟؟ هست نسبت ذیل همین سؤال از نظام تربیتی اسلام صحبت بکنیم نسبت فقه تربیتی با نظام تربیتی اسلام چیست؟

# نسبت تربیت اسلامی با نظام تربیتی اسلام

ابتدا نسبت تربیت اسلامی با نظام تربیتی اسلام را باید روشن کرد تربیت اسلامی یک صفت و موصوف است یعنی یک تربیت مبتنی بر اسلام تربیت متخذ از اسلام، حداقل این معنا تربیت اسلامی چند معنا می‌تواند داشته باشد اما این معنا از آن اراده می‌شود

تربیت متخذ و مستنبط از اسلام این می‌تواند نظام وار باشد می‌تواند نظام وار نباشد اگر نظام وار باشد اصطلاح نظام تربیتی اسلام را برای آن به کار می‌برند

بنابراین رابطه و نسبت تربیت اسلامی با نظام تربیتی اسلام روشن است

اما فقه تربیتی نظام تربیتی اسلام نیست نه اینکه دلش نمی‌خواهد باشد می‌خواهیم در این جلسه دوم محدودیت‌ها و مرزها و یا امکان‌های فقه تربیتی صحبت بکنیم که تصور بی‌جا و نابجایی از فقه تربیتی نداشته باشیم و فقه تربیتی را حلال همه مشکلات جامعه بدانیم

این نکته که فقه تربیتی پازلی با همان سه بیان و سه تمثیلی که جلسه قبل گفتم پازلی از نظام تربیت اسلام است پله‌ای از پله‌های نظام تربیت اسلام است و در واقع این سه تقریری که در جلسه قبل گفتم

بنابراین فقه تربیتی ممکن است تلاش کند که نظام وارگی را استخراج بکند و گزاره‌های تجویزی و فتواها و بایدها و نبایدها واجب‌ها و حرام‌های تربیتی که به افعال مکلفان و مربیان و متربیان استناد می‌دهد عن دلیل شرعی استناد می‌دهد ممکن است نظام وار نباشد و ممکن است نظام وار باشد.

اما نظام وارگی درون دانشی فقه تربیتی یک نکته است که ممکن است در همین فقه موجود این ظرفیت را داشته باشد اما نظام وارگی نظام تربیت اسلام و فرا فقه تربیتی یک سخن دیگری است

به تعبیر دقیق‌تر –مختصر و موجز می‌گویم و رد می‌شوم- به تعبیر دقیق‌تر فقه تربیتی یکی از اجزاء نظام تربیتی است یکی از پازل‌ها و یکی از پله‌های وصول به نظام تربیت اسلام است

بنابراین اگر ما مئالمان رسیدن به نظام معرفتی اسلام در حوزه تعلیم و تربیت آموزش‌وپرورش است –نظام معرفتی گفتم دقت کنید – همه حرف‌های ما سخن در نظام معرفتی است اما نظام عملی اینکه در عمل و اجرا این جامعه را چه کار بکنیم جامعه‌ای که چهل سال از انقلاب گذشته است این‌ها حرف‌های دیگری است. حرف‌های مهم جزو مطالبات امام خامنه‌ای هم هست اما حرف‌های دیگری است

بنابراین تا اینجا نظام تربیتی بخشی و پله‌ای از پله‌های وصول به نظام تربیتی اسلام است

## ویژگی نظام وارگی

در مورد ویژگی نظام وارگی درون دانشی فقه تربیتی باید گفت همین الآن بر اساس مکانیزم های اصول فقه ممکن است طبق همان مسیری که شهید صدر طی کرده است در مجالاتی طی بکنیم و درون کتاب التربیة و احکام مستنبط نظام گونه سخن بگوییم.

حالا نظام یعنی چه؟ فقه نظام در ادبیات جدید یعنی چه حرف‌های دیگری است که ورود به آنها نمی‌کنیم چون وقت آن را نداریم.

این نکته اول پس فقه تربیتی تربیت اسلامی نیست، نه اینکه تربیت غیر اسلامی است، نه اینکه تربیت غربی است تربیت اجتهادی است تربیت ضد اسلامی است تربیت اسلامی یا نظام تربیتی اسلام نیست یعنی برای وصول به نظام تربیتی اسلام باید کارهای تسهیلی باید انجام داد و مجموعه تحقیقات فلسفه اسلام اخلاق تربیتی، تفسیر تربیتی، سیره تربیتی و حتی دانش تربیتی (دانش تجربی‌اش) باید جمع بشود و بلاتشبیه در یک کمیسیونی که فیلسوف تربیت فقیه تربیت روانشناسی تربیت، (روانشناسی تجربی) و مفسر تربیت قران و غیره کنار هم نشسته‌اند شبیه شورای فتوا، شبیه شورای علمی فرض کنید در یک کار گروهی و جمعی نظام تربیتی اسلام نظام معرفتی‌اش را سامان بدهند.

ممکن است سؤالاتی در ذهن باقی مانده باشد اما به همین میزان کفایت می‌کند این نکته اول.

فقه تربیتی، نظام تربیتی نیست اما دلش می‌خواهد به نظام تربیتی کمک بکند و به زعم ما هم اتفاقاً خیلی می‌تواند به وصول نظام تربیتی کمک بکند به دلیل ظرفیتی که درون دانش فقه نهفته است و دانش فقه نظامات تجویزی و الگوهای رفتار مربی و متربی را بر اساس نظام ارزشی ده‌گانه خود سامان می‌دهد.

# نظام ارزشی ده‌گانه چیست؟

واجب،

واجب مؤکد

مستحب

مستحب مؤکد

گناه صغیره

گناه کبیره

کراهت اکید مؤکده

و کراهت غیر مؤکده

اباحه اقتضایی

اباحه غیر اقتضایی

بنابراین نظام ارزش گذاری فقه تجویزاتش در ده رتبه ساماندهی می‌کند

# نکته دوم

فقه تربیتی در مقام علم است اما در مقام عمل نیست یعنی اگر کسی دغدغه میدان عمل تربیت دارد همین الآن آموزش‌وپرورش ناهنجاری‌های رفتاری، درصد طلاق در جامعه، رشد طلاق، رشد رفتارهای خطرناک جنسی در تحقیقات محرمانه شما می‌بینید گاهی منتشر می‌شود درصد ارتباط نامشروع در دبیرستانی‌ها و حتی راهنمایی‌ها درصد منتابهی شده است این‌ها حرف‌های درستی است در مقام عمل تربیت کاستی‌هایی وجود دارد

فقه تربیتی آن نیست به دلیل اینکه فقه تربیتی در مقام نظر حرف می‌زند احکام را استنباط می‌کند تجویزات را استنباط می‌کند مثل اینکه شما از دانش کتاب الاقتصاد و کتاب مکاسب شیخ انصاری انتظار داشته باشید که چرا نظریه شیخ انصاری رحمه الله علیه مثلاً در اقتصاد فرض کنید چرا بانکداری را اسلامی نکرده است چرا مثلاً تنبیه الامه مرحوم نائینی رحمة الله علیه چرا مشکلات سیاسی ما را برطرف نکرده است؟

جوابش این است که همین شکاف نظر و عمل همین است دنیای عمل، دنیای سیاست، اجرا، عملیاتی سازی دین و شریعت اصلاً دنیای دیگری دارد و دانش فقه دانش مقدماتی است برای بحث اقامه شریعت و اجرای دین در جامعه و تحقق اسلام در کف میدان به لوازم دیگری نیاز دارد از جمله مقوله‌ای به نام سیاست گزاری تربیتی

پس فقه تربیتی سیاست‌گذاری تربیتی نیست اما می‌تواند کمک کند خوب دقت کنید نکته دوم این است که فقه تربیتی مقوله نظریه عمل تربیت نیست و یا علم سیاست‌گذاری تربیتی نیست

چرا از سیاست‌گذاری تربیت سخن گفتم

به دلیل اینکه در این تحقیقات اخیر محققان و برجسته شده است این مقوله ما یکی از نقاط ضعفمان گاهی اوقات در سیاست‌گذاری تربیتی است در تجربه چهل ساله آموزش‌وپرورش ما و سیاست‌گذاری فرهنگی به نحو عام یعنی تربیت به معنای عام یا تربیت به معنای خاص یعنی فقط آموزش‌وپرورش و تربیت رسمی یکی از نقاط ضعف ما در حوزه سیاست‌گذاری است

سیاست‌گذاری نه به معنای تقنین که بگوییم سند بنویسیم و قوانین را تصویب بکنیم اتفاقاً مشکل ما در عملیاتی سازی قوانین است که از آن به سیاست‌ها و مقررات تعبیر می‌شود

این هم نکته دوم که به نظرم تذکرش لازم بود از این جهت که فقه تربیتی نمی‌تواند شق القمر بکند و انتظار نداشته باشید حوزه‌ای که تا دیروز با آموزش‌وپرورش ارتباطی نداشت در مجامع تقنین تربیتی حضور نداشت یعنی حضور فعال نداشت یا در مجامع سیاست‌گذاری تربیتی و آموزشی در مقام تدوین فلسفه آموزش عالی کشور اگر حضور جدی و فعال نداشت الآن با چیزی با نام فقه تربیتی می‌خواهد شق القمر بکند و همه آن مسائل را حل بکند؟ نه این‌جور نیست واقعاً

خون دل‌ها باید خورد برای اقامه شریعت باید خون دل‌ها خورد و دانش‌ها باید محقق بشود

این هم از این

البته همان جور که در چت هم دوستان یادآوری کرده‌اند فقه تربیتی اگر در نگاه ستادی در واقع سیاست‌گذاری نیست اما در سطح صف تربیت و عمل تربیت مشکلات تک مادران را می‌تواند حل بکند مادر نیاز دارد ببیند این کار جایز است یا جایز نیست یا مجموعه فرایند آموزش دینی کودک به چه شکل است آموزش جنسی کودک بایدها و نبایدهایش به چه شکل است آموزش زیبایی شناختی کودک، آموزش دخترانه پسرانه، تربیت جنسیتی به چه گونه، بایدها و نبایدهایش را فقه می‌تواند بگوید

اما اینکه مقام اجرا را بتواند استدراک بکند راه‌ها وجود دارد

# نکته سوم

فقه تربیتی علم تربیت نیست این هم باید در واقع ...

سؤال کرده‌اند جایز بودن و جایز نبودن چه دردی از تربیت فرزندان امروز دوا می‌کند

اینکه یک متشرعی بداند نمازش قصر است یا تمام است این دردی را دوا نمی‌کند اصلاً متشرعه دنبال این است که اصلاً خانواده مذهبی، خانواده هیئتی، خانواده متشرعه، برایش مهم است بچه دانشجو می‌خواهد مشهد برود نمازش کامل است یا نه

چرا مهم نیست

بنابراین تعیین احکام واقعاً مهم است برای متشرعین خیلی مهم است برای مقلدین خیلی مهم است

ممکن است شما بگویید کجای کار نشسته‌اید مردم دیگر دین را قبول ندارند شما برای متشرعین مثلاً احکام درست می‌کنید

جواب این است که دغدغه شما دغدغه به جایی است یعنی در کوران حوادث بحران‌های فرهنگی، هویت انقلاب اسلامی باید سر جایش بماند و حرف‌هایی از این دست که حرف‌هایی بسیار درست است. دغدغه مفید و مؤثری است ولی این‌جور هم نیست که بگوییم ما به فقه نیاز نداریم این که حرف روشنفکران شد یا دقت بکنید سکولاریزاسیون و مدرنیزاسیون فقه همین است می‌گوید مثلاً حجاب تا دیروز این‌جوری بود الآن این‌جوری بشود. قاعدتاً منظور شما این نبوده است منظور شما این بوده است که ما می‌دانیم که تربیت کردن کار خوبی است حالا چه جوری تربیت بکنیم در کوران حوادث چجوری در زندگی مجازی با نسل مجازی چه جور بچه‌ام را دین‌دار و حسینی بار بیاورم چه جوری در فضای آسیب‌زای اینستاگرام هم باشم و هم آسیب نخورم

خوب دقت بکنید پس دغدغه درستی است اما این انتظار را از فلسفه تربیت نمی‌توانید داشته باشید و از فقه تربیت هم نمی‌توانید داشته باشید

کما اینکه برخی از این انتظارات را روانشناسی تربیتی هم پاسخگو نیست یعنی قرار نیست سؤالات فلسفی را روانشناسی تربیتی پاسخ بدهد نمی‌تواند قرار نیست سؤالات رشدی و تحولی که ناظر به رشد و تحول کودک است را فیلسوف کودک پاسخ بدهد کار ویژه‌اش این نیست

بنابراین نکته دوم

ظرفیت فقه تربیتی برای تقنین تربیتی است برای سیاست‌گذاری تربیتی است که اصلاً خوب دقت بکنید فقه چون احکام را خوب می‌تواند صادر بکند اگر ما بتوانیم فقه از نگاه فردی هنوز انقلاب نشده، از این نگاه خارج بشویم فقهی که نگاه تمدنی دارد فقه مهدوی است این فقه آن وقت نگاه کلان و نگاه سیاست‌گذاری می‌تواند ورود کند چرا نتواند ورود کند و توسعه فقه به این عرصه‌ها البته گام به گام با احتیاط و بر اساس ضوابط اصولی، می‌تواند مفید و مؤثر باشد تا جایی که کشش دارد و تا جایی که ضوابط اجازه می‌دهد

ما که قول ندادیم حتماً فقه بیاید در تقنین تربیتی کمک بکند ممکن است نتواند کمک بکند می‌خواهم بگویم پیش‌داوری نکنیم و شعار ندهیم. این هم نکته بعدی

نکته سوم

# فقه تربیتی، علم تربیت نیست

علم تربیت یا علوم تربیتی یا 18:32؟؟؟ مجموعه علوم شانزده‌گانه یا بیست و یک یا 23 گانه ای است که ترکیبی از تاریخ آموزش‌وپرورش تا برنامه‌ریزی آموزشی است ترکیبی از روانشناسی تربیت تا فلسفه آموزش‌وپرورش است

فقه تربیتی هیچ‌گاه نمی‌خواهد و نمی‌تواند جایگاه علوم تربیتی را بگیرد، علوم تربیتی باید به تحقیقاتش ادامه بدهد تجربه بشری و عقل بشری، به میزان خودش معتبر است آنچه در معرفت‌شناسی گفتیم فقه تربیتی از آن استفاده می‌کند در واقع فقه تربیتی مختوم علوم تربیتی است استفاده می‌کند

حالا جزئیات استفاده فقه تربیتی از علوم تربیتی شاخه‌های 23 گانه علوم تربیتی را در جای دیگر گفتیم

بنابراین علم تربیت یا متخصصان تربیت یا اعضای هیئت علمی گروه‌های علوم تربیتی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی نگران نباشند که فقه تربیتی آمده است بازار همه را کساد بکند این‌جور نیست

فقه تربیتی در موضوع شناسی ها نیازمند کارشناسی‌هاست دست نیاز به روانشناسی تربیتی دراز می‌کند البته در باب حجیت و اعتبارش و روایی بحث اصولی وجود دارد و قبول داریم یعنی همان بحث‌هایی که در باب حجیت عرف، عرف متخصص، سیره عقلا و بنای عقلا وجود دارد اینجا هم هست و باید گفتگو کرد و چون ما جای دیگر نوشته‌ایم از آن عبور می‌کنیم.

نکته بعدی

# فقه تربیتی فلسفه تربیتی نیست

به شدت تعلیم و تربیت به فلسفیدن نیاز دارد به فلسفه ورزی نیاز دارد دانش مدون در قامت یک دیسپرین عمر حدود دویست ساله دارد علم تعلیم و تربیت، دانش و سپس رشته فلسفه تعلیم و تربیت در آموزش‌وپرورش.

فقه تربیتی نه جای آن را می‌خواهد تنگ بکند و نه می‌تواند جای آن را تنگ بکند

اساساً در یک جاهایی فقیه تربیتی باید فیلسوفانه فکر بکند آنجایی که همین مکانیزم موجود فقه به شما می‌گوید تحلیل‌های مفهوم شناسانه در اقامه ادله عقلی و بنای عقلا و سیره عقلا، عاقلانه فکر کن یعنی شبیه فلاسفه آموزش‌وپرورش فکر کن یا اینکه به مکاتب و آراء فلاسفه آموزش‌وپرورش مراجعه کن و ببین آنها در این زمینه چه گفته‌اند.

در زمینه آموزش فلسفه برای کودکان چه گفته‌اند در زمینه تربیت جنسی چه آرایی بین فلاسفه وجود دارد؟ شرق و غرب، از فراکماتیسم گرفته تا لیبرالیسم، از نچلالیزم گرفته (طبیعت‌گرایان) تا رویکردهای انتقادی، چه گفته‌اند؟ واقعاً این‌ها برای فقیه مفید است

در تنقیح موضوع مهم است در تربیت جنسیتی یعنی تربیت پسرانه و دخترانه دنیای امروز چه گفته است.

این هم نکته‌ای به نظرم چهارم باشد که در واقع فقه تربیتی علم تربیت نیست فقه تربیتی فلسفه تربیت هم نیست جای آنها را تنگ نمی‌کند و نباید هم تنگ بکند

نکته بعدی

# فقه تربیتی حقوق تربیتی نیست

فرا متن صحبت من این است که من فقه تربیتی را در قامت یک دانش و در قبای یک دانش و علم و باب مستقل اقامه می‌کنم و الا شما می‌توانید بگویید فقه تربیتی یعنی اینکه پدر و مادرها چه کار بکنند این لازم است اما با نگاه تمدنی ما سازگار نیست کم و اندک است. نگاه تمدنی این است اصلاً غرب مدرن همین‌طوری پیش رفت حرف‌ها، فکرها و تجربیات میدان عمل را در قامت علم و در قامت رشته‌ها و در قامت زبان دانش در آورده است و صحبت کرده است و شاید این روش درستی باشد و ما این روش را ...

در واقع فرا متن صحبت من این است که امروز گفتم فقه تربیتی نظام تربیتی نیست فقه تربیتی سیاست‌گذاری تربیتی نیست فقه تربیتی علوم تربیتی نیست فقه تربیتی فلسفه تربیت نیست الآن می‌گویم فقه تربیتی حقوق تربیتی نیست

این هم یک نکته فرا متنی بود که روی آن فکر کنید

نکته پنجم حقوق تربیتی است

در دامن علم حقوق که علم بسیار لازم و واجبی است و اساساً قوام جامعه به علم حقوق است یعنی قوانین است قوانین موضوعه که علم حقوق در مورد قوانین موضوعه صحبت می‌کند

فقه تربیتی نسبتش با حقوق تربیتی چیست؟

به زعم من حقوق تربیتی ایده جدید شاخه نوپا و نهال نورسی است که رشته‌های حقوق در دانشگاه‌ها به آن توجه بکنند همان‌طوری که حقوق ورزش به عنوان یک شاخه علمی باید بسط پیدا بکند حقوق تربیتی و حقوق آموزش هم باید بسط پیدا بکند در غرب خیلی مختصر رشد پیدا کرده است و در ایران در حد یکی دو کتاب و مقالات یا پایان‌نامه‌ها دارد رشد می‌کند

یعنی قوانین و مقررات موضوعه در حوزه آموزش‌وپرورش و تربیت و آموزش و یا دعاوی و پرونده‌های تربیتی و آموزشی در حوزه دادگاه‌ها و دادرسی‌ها.

این‌ها نکات مهمی است بحث‌های فلسفه حقوق اینجا هست اما فقه تربیتی که ما می‌گوییم حقوق تربیتی نیست می‌تواند به آن کمک بکند

به چه جوری؟

به همان میزان که نسبت فقه و حقوق چیست؟ نسبت فقه و حقوق نسبت مبنا و بنا است نسبت فقه جزو منابع علم حقوق اسلامی است برای نظام تقنینی

بنابراین همان‌گونه توجه به مقوله تقنین تربیتی لازم است و سیاست‌گذاری تربیتی توجه به مقوله حقوق تربیتی و حقوق آموزشی لازم است فقه تربیتی جزو منابع و مبادی‌اش می‌تواند باشد اما آن نیست و آن کارکرد را از ما نخواهید از فقه تربیتی کارکرد حقوق تربیتی نخواهید.

اما گسترش این به گسترش آن می‌انجامد و اتفاقاً برای گسترش حقوق تربیتی باید فتاوای تربیتی و احکام تربیتی رشد پیدا بکند.

این هم نکته بعدی

# فقه تربیتی اخلاق تربیتی نیست

نکته بعدی

فقه تربیتی اخلاق تربیتی نیست، توجه کنید که می‌خواهم مرز را مشخص بکنم نه اینکه ضد اخلاقی است نه اینکه اخلاق تربیتی مهم نیست به تعبیر دقیق‌تر تعرف الاشیاء به اضدادها یا بالاخره من مشخص کنم فقه تربیتی چه چیز نیست، به شما کمک می‌کند که بدانید فقه تربیتی چیست؟

این هم در واقع یکی از مولودهای همزاد فقه تربیتی اخلاق تربیتی است ما از یک سری مولودهایی صحبت می‌کنیم که برای احیای تمدن اسلامی برای گره‌گشایی از مشکلات اجرایی فرهنگی و تربیتی این‌ها لازم است (در مقام نظر و تئوری) البته آنی که در مقام عمل است می‌گوید شما پژوهشگران بروید در کتابخانه‌ها تا ما کار خودمان را کنیم

ما با فقر تئوریک مواجه هستیم یعنی مشکل نظریات است درست است که در میدان عمل مجریان بد عمل می‌کنند یا مدیر خوب نداریم اما باز با فقر تئوریک مواجه هستیم اگر اقتصاد اسلامی برپا نشد بانکداری اسلامی مشکل کجاست؟ مثلاً رئیس بانک مرکزی اختلاس کرده است بد عمل کرده است گول شیطان را خورده است این هست اما یک جایی مشکل تئوریک داریم

از این مدعا بگذریم.

نکته پنجم یا ششم

اخلاق تربیتی است مولود همزاد فقه تربیتی است این‌ها را که گفتم همزاد فقه تربیتی هستند اما خود فقه تربیتی نیستند و باید نسبتشان را مشخص کرد.

اخلاق تربیتی، غرب مدرن بعد از کانت تلاش کرده است با توجه به نقد عقل محض توسط کانت، به عدم اثبات خدا توسط عقل به سراغ اخلاق برود و جامعه را با اخلاق اداره بکند و دانش‌های اخلاقی و پژوهش‌های اخلاقی رشد پیدا کرده است فلسفه اخلاق، فرا اخلاق، متااخلاق، اخلاق حرفه‌ای و اخلاق کاربردی و تعابیری از این دست رشد پیدا کرده است که واقعاً هم مقتنم هست.

یکی از حوزه‌ها، حوزه‌های اخلاق کاربردی و اخلاق سازمانی است با این توضیح تربیت که مقوله‌ای سازمان محور است، تربیت در نگاه اسگولینگ و آموزش‌وپرورش سازمان است الآن خود وزارت آموزش‌وپرورش که وزیر ندارد ولی عیالوار ترین وزارت خانه است پس یک سازمان است پس تربیت رسمی ماهیتاً یک سازمان است بنابراین اخلاق سازمانی و اخلاق کاربردی با تفاوتی که بین این دو هست به حیطه تربیت توجه کرده است و عرصه‌ای به نام اخلاق مدرسه، اخلاق آموزش‌وپرورش اخلاق آموزشی، اخلاق تربیتی و تعابیری از این دست عرضه شده است و اخلاق معلم و اخلاق حرفه‌ای معلم با همین عنوان کتاب و مقاله هست.

اما توجه بکنید این مولود همزاد فقه تربیتی است به این معنا که فقه تربیتی نمی‌خواهد جای اخلاق تربیتی را پر کند یا جای آن را تنگ کند اما می‌تواند هم‌نشین آن باشد جانشین آن نیست

البته در نگاه کبروی اینکه فقه و اخلاق متحد بشوند واحد بشوند ادغام بشوند و یکی به نفع دیگری کنار برود در پارادایم اسلامی می‌گویم یعنی فقه اسلامی و اخلاق اسلامی چند دیدگاه وجود دارد اقوال متعدد است مبنائا اگر شما آنجا گفتید فقه و اخلاق می‌توانند کنار هم بنشینند یعنی اخلاق اسلامی یک چیز است و فقه اسلامی یک چیز است و تجویزات اخلاق اسلامی ماهیتاً با تجویزات فقه اسلامی متفاوت است آن وقت شما باید بگویید که اخلاق تربیتی جداست.

بالمآل اخلاق آموزشی یا اخلاق تربیت ارزش یک شاخه علمی شدن را دارد که دارد الآن یک شعبه‌ای از اخلاق حرفه‌ای اخلاق آموزشی یا تربیتی است اسم‌های متعددی به کار می‌رود فقه تربیتی فاصله‌اش با آن روشن است اما مُعد و ممهد آن است کمک کار آن است به خاطر اینکه اگر بخواهیم اخلاق حرفه‌ای تربیتی از اسلام داشته باشیم قاعدتاً فقه تربیتی از اسلام است اما منظرهای آن فرق دارد منظر فقهی با منظر اخلاقی تفاوتی دارد.

البته ممکن است بگوییم منظر فقهی و منظر اخلاقی قابل ادغام است این یک حرف جدایی است که باید بعداً درباره‌اش صحبت کرد.

# جمع‌بندی

تلاش کردم که بگویم فقه تربیتی همزاد این عرصه‌های دانشی است اما عین آنها نیست معد آن‌هاست همکار آن‌هاست و جای آنها را تنگ نمی‌کند و اتفاقاً رشد فقه تربیتی به رشد حقوق تربیتی کمک می‌کند و رشد اخلاق تربیتی را به ثمر می‌نشاند رشد گاهی اوقات به علم تربیت کمک می‌کند فقه تربیتی می‌تواند به پداگوژی کمک بکند به اسلامی سازی پداگوژی کمک بکند و بالمآل فقه تربیتی به اسلامی سازی علوم تربیتی کمک می‌کند

این‌ها همکاری‌های داد و ستدی که و یا کمکی که به همدیگر می‌توانند بکنند.

# پاسخ به سؤالات

سؤال: رابطه علم تربیتی با فقه تربیتی روز که منابع غربی دارد چیست موضوع شناسی و بایدهایش بر اساس تربیت اسلامی است؟ و اگر اشتباه باشد رد می‌کند؟

جواب: بله

سؤال: سرکار خانم بلخاری فرمودند این نیست، اما در عمق و متن که وارد می‌شویم می‌بینیم این‌ها به هم وابسته هستند

جواب: در جلسه اول گفتم چه چیز هست و در جلسه دوم گفتم چه چیز نیست

غایت فقه تربیتی به مثابه علم فقه تربیتی و دانش فقه تربیتی کشف و استنباط اجتهادی احکام تربیتی است البته بالمآل و بالواسطه غایتش اجرای آن است کما اینکه می‌گویید غایت علم فقه استنباط احکام است غایت اولیه، غایت ثانویه اجرای احکام و تحقق احکام و عملیاتی سازی احکام و اقامه شریعت هست.

سؤال: منابع مهم فقه تربیتی همان کتب و سنت است؟

جواب بله طابق النعل بالنعل، عقل و کتاب و سنت

سؤال: قبل از تشکیل فقه تربیتی چه مشکلی وجود داشت که علما برای رفع آن این را به وجود آوردند؟

جواب: در جلسه سوم صحبت می‌کنیم که فقه تربیتی ضرورتش چیست؟ اگر فقه تربیتی نباشد جز اینکه دکان امثال بنده تعطیل می‌شود چه اتفاقی می‌افتد

سؤال: آیا در ادیان دیگر ...

جواب: من مطالعات ادیانی مفصل تخصصی ندارم تا آنجا که من می‌دانم یهودیت علم دارای شریعت است و مسیحیت کمتر و علی‌القاعده در مورد تعلیم و تربیت حرفی دارند البته خوب دقت کنید که تذکر مهمی است ناظر به فرمایش اخیر سرکار خانم در جلسه قبل است اینکه شما کل دین را تربیت بدانید و دین آمده است تا انسان را هدایت کند به سعادت، تمام شد با این معنا ادیان دیگر هم دنبال تربیت هستند با این معنا فقه تربیت است؛ اما این جعل اصطلاح دردی را دوا نمی‌کند در طول هزاران سال علوم اسلامی و علوم دینی در ادیان مختلف رشد پیدا کرده است و خواستند دین را بفهمند و دین را اجرا کنند پس تربیت شد و این ارزش‌افزوده‌ای در پژوهش‌ها نداشت با این پیشنهاد چه مرزی را جابجا کردید بنابراین ما بگوییم تمام فقه تربیت است بله دیات، نکاح، امر به معروف، زکات، صلاة همه تربیت است قبول، اصلاً مولا برای تربیت و هدایت دیگران تشریح کرده است هدایت مکلفان، اینکه ما بابی در عرض کتاب الحج و کتاب سبق رمایه و کتاب عبد و اماء کتاب تربیة قرار داده‌ایم می‌خواهد ارزش‌افزوده‌ای داشته باشد به خاطر اهمیتی که تعلیم و تربیت قرار می‌دهیم

ارزش تعلیم و تربیت آن‌قدر است که شما کتاب مستقلی در فقه به آن اختصاص بدهید و روی آن تمرکز بکنید به همان مقداری که برای سبق رمایه ارزش دادید به همان میزانی که برای عبد و اماء ارزش دادید تربیت هم مهم است، تربیتی که هدف دین است

این نکته خیلی مهم است که فقیه تربیتی اولاً و بالذات باید فقیه باشد یعنی کفایه و مکاسب را خوب خوانده باشد و ثانیاً و بالعرض متخصص تربیتی باشد

سؤال: در بین رشته‌های علمی ناظر به تربیت کدام اولویت دارد در اجتماع فعلی ما؟

جواب: خیلی متوجه نشدم همه اولویت دارد اگر شاخه‌های علوم تربیتی است به نظرم اقتصاد آموزش‌وپرورش مهم است که نمی‌دانم اقتصاد آموزش‌وپرورش داریم یا نه تا آنجا که من اطلاع دارم رشته‌ای به نام حکمرانی تربیتی در دانشگاه دفاع ملی در مقطع دکتری دایر شده است تا آنجا که من اطلاع دارم یا در دانشگاه امام صادق در مقطع دکتری رشته مدیریت آموزشی با رویکرد حکمرانی تربیتی یا سیاست‌گذاری تربیتی این‌ها رشته‌های جدید مورد ضرورت است

سؤال: معرفی کتاب

جواب: موسسه اشراق و عرفان و سایت موسسه اشراق و عرفان و گروه آموزشی جامعة المصطفی، مجله فقه تربیتی و غیره.

کتاب شهید مطهری فقه تربیتی محسوب نمی‌شود

رشته فقه تربیتی در سطح چهار در حوزه مصوب شده است اگر اجرا بشود برخی مراکز اگر شرایط داشته باشند می‌توانند سطح چهار فقه تربیتی را اجرا بکنند.

سؤال: رابطه اخلاق با فقه تربیتی چه نوع رابطه‌ای است؟

جواب: مختصراً گفتم اگر کافی نبود یا قانع کننده نبود

سؤال: در مورد ضرورت فقه تربیتی اگر نبود چه اتفاقی می‌افتد حالا که آمد چه اتفاقی افتاد

جواب: این را در جلسه سوم که فردا باشد خواهیم گفت. اجمال این است ما شئت فسم، اسم را X بگذار واضع به وضع تعیینی گفته است فقه تربیتی و اگر بخواهید از رشته سخن بگویید یعنی از یک مجمعی معتبری مصوب شده باشد شورای گسترش وزارت علوم و سپس شورای عالی رشته فقه تربیتی یعنی با «یاء» تصویب کرده است.

سؤال: بگوییم هدف دین هدایت است یا تربیت؟

جواب: هر دو هر کدام را بگویید اشکال ندارد

آرزوی سلامتی دارم و از دبیرخانه مفتاح تشکر می‌کنم و ما را در راه اهل‌بیت علیهم‌السلام و راه امامین انقلاب ان‌شاءالله ثابت قدم بدارد.